

یک پیشروی برای کارگران اعتصابی نفت و گاز و پتروشیمی ها



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۴ شهریور ۱۳۹۹ - ۴ سپتامبر ۲۰۲۰

مادران خاوران و قامت استوار جانباختگان ۶۷

صفحه ۴

رحمان حسین زاده

مضحکه انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰

و سر در گمی جناحهای رژیم!

صفحه ۵

جمال کمانگر

آموزش و پرورش در نظامهای فاشیستی و مذهبی

صفحه ۶

نادر شریفی

اجتماعات این هفته در تورنتو، لندن و استکهلم:

علیه اعدام و در دفاع از اعتصابات کارگری

بزودی برگزار می شود؛ سمینار سیاسی رحمان حسین زاده

بحران حزب کمونیست ایران و کومه له: سیاست کمونیستی در قبال آن



درخواست‌ها برای آزادی
یک زندانی سیاسی مبتلا به کرونا

بیش از ۵۰۰ نفر از فعالان سیاسی، مدنی و اعضای خانواده زندانیان سیاسی در بیانیه‌ای خواستار انتقال بدون قید و شرط جعفر عظیم‌زاده، فعال کارگری به بیمارستانی خارج از زندان و آزادی او شدند. او که به کرونا مبتلا شده از ۲۶ مرداد پس از انتقال به انفرادی در زندان رجائی‌شهر، دست به اعتصاب غذا زده است.

نوبت ایفای نقش کارگر و کمونیسم است!

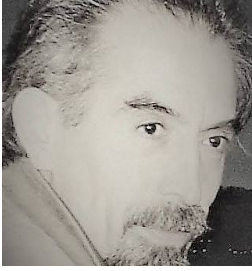
صفحه ۲

تداوم اعتراض

کارگران هفت تپه

اعتصاب کارگران هفت تپه با اجتماع کارگران غیر نیشکری و فصلی اخراجی مقابل فرمانداری و ادارات دولتی و پیگیری نمایندگان کارگران برای تحقق خواسته‌هایشان ادامه داشته است. خبر تعلیق اعتصاب و دادن فرصت پانزده روزه از جانب کارگران واقعیت ندارد و بیشتر سوتفاهم بوده است. ابتدا نمایندگان مجلس در سفر به شوش بعد از پرداخت دو ماه حقوق معوقه اردیبهشت و تیرماه، خواست شان از کارگران مبنی بر دادن پانزده روز وقت به مجلس برای پیگیری مسئله هفت تپه را بعنوان تصمیم در رسانه‌ها اعلام کردند. بعد از انتشار این خبر در میان کارگران نیز شبهه تعلیق موقت اعتصاب بوجود آمد و بعضاً انتشار پیدا کرد. در حالی که کارگران تصمیمی جمعی مبنی بر پایان یا تعلیق اعتصاب نگرفته بودند و یا تصمیم کارگران توسط نمایندگانشان جانی اعلام نشده بود. همینطور نمایندگان کارگران در چنین اوضاعی که با فشار امنیتی مضاعف روبرو می شوند، ظاهراً نمی توانستند علیه اخبار نمایندگان مجلس علناً چیزی بگویند، لذا نه تأیید کردند و نه تکذیب. اعتصاب توسط کارگران غیر نیشکری ادامه یافت. روز پنجشنبه مهر خبرگزاری جمهوری اسلامی هم نوشت که اعتصاب هفت تپه ۸۱ روزه شد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



با خصوصی سازی و بازگشت شرکت به دولت با اعمال نظارت کارگران از اعتصاب سال ۹۷ طرح شد. اعتصاب اما سرکوب و رهبران کارگری از جمله اسماعیل بخشی دستگیر و زندانی شدند. کارگران با فشار اعتراض و اعتصاب دوستانشان را آزاد کردند و یک خواست مهم اعتصاب کنونی بازگشت همکاران اخراجی به کار است. این جدال امروز به مرحله تعیین تکلیف رسیده است.

اعتصاب و اعتراض کارگری همواره افت و خیز دارد، بعضاً به نتیجه مورد نظر نمی رسد، بعضاً بخشی از خواسته‌هایش را متحقق میکند، اما در هر مبارزه و اعتصاب کارگر آموزش می بیند و اتحاد و راه های قدرتمندتر شدن وحدت طبقاتی را مشق می کند. کارگران مبارز هفت تپه در این مبارزه شکوهمند شایسته پیروزی اند و تا هم اکنون تجارب جنبش کارگری ایران را بسیار غنی کرده اند.

سردبیر.

۳ سپتامبر ۲۰۲۰

تداوم اعتراض

کارگران هفت تپه...

قرار بود چهارشنبه دوازدهم شهریور در جلسه سوم مجلس برس سرنوشت هفت تپه و خلع ید از کارفرمای آن تصمیم گیری شود و نمایندگان کارگران نیز در جلسه حضور یابند. اما مجلس بدلیل ایام محرم تا روز یکشنبه تعطیل و این جلسه هم برگزار نشد. در روزهای گذشته نیز بدنبال اظهارات جهانگیری مبنی بر نیاز دولت به سه ماه وقت برای تصمیم گیری در باره شرکت هفت تپه، مشاجرات مجلس و دولت به تهدید همدیگر در تویتر کشید. مجلس نشینان تهدید به استیضاح وزیر اقتصاد و اعلام کردند با تمام توان پیگیر حل مسئله هفت تپه هستند. اعتصاب هفت تپه به یک محور جدال حکومتی ها بدل شده است.

دیروز پنجشنبه ۱۳ شهریور قالیباف در سفرش به خوزستان به شهر شوش رفت. قالیباف از آنجا که حرفی برای کارگران هفت تپه نداشت و نمی خواست خود را میان خشم آنها ببیند، جلوی فرمانداری نیامد و به مجتمع هفت تپه هم نرفت. کارگران هفت تپه از این امر آگاه بودند و تلاش داشتند در سفر قالیباف اعتراضشان شنیده شود. بنا به اخبار منتشر شده توسط کارگران هفت تپه، کارفرمای شرکت از وحشت اعتراض کارگران، گروهی شش هفت نفره از عوامل خود را با پرچمی که "از خدمات اسدیگی در هفت تپه برای ایجاد اشتغال حمایت میکنیم" سازمان داده بود تا به استقبال قالیباف بروند. کارگران این تلاش استیصال آمیز کارفرما را خنثی کردند. نمایندگان کارگران خود را به قالیباف رساندند و از وی خواستند که به هفت تپه بیاید و به حرف و خواست پنجهزار کارگر گوش دهد. به وی گفتند که بسرعت باید از اسدیگی کارفرما و خصوصی سازی در هفت تپه خلع ید کنید. قالیباف در گفتگویی با صدا و سیما به این بسنده کرد که در مسیر بازدید با نمایندگان کارگران حرف زده و وعده داد که "همه نهادها پیگیر حل مسئله هفت تپه هستند و تقریباً حل شده است!"

کارگران با اتکا به اعتراض و اعتصاب در شرایط بیماری کرونا و گرمای شدید، موفق شدند سه ماه از حقوقهای معوق شان را نقد و مسئولین را ناچار به پذیرش تمدید دفترچه های بیمه و بازگشت به کار همکاران اخراجی کنند و کارفرما را تا لبه پرتگاه عقب برانند. نفس اینکه مدتی است نمایش دادگاه یکی دو نفر از نورچشمی های دولت برای اختلاس و قاچاق ارز در جریان است، محصول افشاکاری و فشار اعتصاب و مبارزات کارگران بوده است. امروز جناح های حکومتی در متن تناقضات و رقابتهای خود، حساس بودن امنیتی خوزستان، تبدیل هفت تپه به یک معضل لاینحل و صد البته با فشار اعتصاب و اعتراض مستمر کارگران، ناچار شده اند عمده روی خلع ید اسدیگی و تجدید نظر در واگذاری این شرکت توافق کنند. آخرین تصمیم گیری اینست که مسئله هفت تپه و پالایشگاه کرمانشاه را تحت عنوان "واگذاریهای مسئله دار" مورد بررسی فوری قرار گیرد. تقابل

کمیته یادمان کشتار زندانیان سیاسی دهه شصت در ایران، مونترال - کانادا
و کمیته یادمان (تورنتو) برگزار می کنند:
سخنرانی به همراه بحث، تبادل نظر، پرسش و پاسخ
« پیوند جنبش دادخواهی و مبارزات جاری در ایران »
« زن و زندان »
سخنران: فروغ اسد پور، زندانی سیاسی دهه شصت، نویسنده و پژوهشگر

« پیوند جنبش دادخواهی و مبارزات جاری در ایران »
سخنران: سیاوش دانشور، زندانی سیاسی دهه شصت،
عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

زمان: شنبه ۱۲ سپتامبر
ساعت ۱۰:۳۰ شب بوقت ایران
ساعت ۸ شب بوقت اروپای مرکزی
ساعت ۲ بعدازظهر بوقت شرق آمریکای شمالی
ساعت ۱۱ صبح بوقت غرب آمریکای شمالی

Address & Info.
توجه!
آدرس های مجازی در پالتاک، زوم و Paltalk:
دیگر گروههای اجتماعی، بزودی به Zoom:
اطلاع شما عزیزان خواهد رسید.

TEL: +1-514-258-8186
Email: koshtaredeha60@gmail.com

به هر چه می توانیم فراموش می کنیم

مرگ بر جمهوری اسلامی!

یک پیشروی برای کارگران اعتصابی نفت و گاز و پتروشیمی ها



نیروگاههای برق صورت نگرفته است.

اعتصاب هماهنگ کارگران پالایشگاه های نفت و گاز، پتروشیمی ها و نیروگاه های برق سی و یک روز را پشت سر گذاشت و در روزهای هفته جاری در تعدادی از مراکز به برخی از خواستهای مطرح شده رسیده است. بازگشت کارگران به محل کار و مذاکره با پیمانکاران در چند پالایشگاه در طول هفته گذشته در جریان بوده و تعدادی از پیمانکاران با افزایش حقوق ها توافق کرده اند.

این اعتصاب بزرگ و هماهنگ کارگران پروژه های در صنایع نفت و گاز با ابتکار کارگران پایپینگ جوشکار، فیلتر، فورمن و مونتاژ کار شروع شد و سرعت گسترش یافت. کارگران اعتصابی خواست افزایش دستمزدها تا سقف ۱۰ الی ۱۲ میلیون را در مرکز مطالبات خود قرار دادند. همینطور پرداخت سروقت و کامل دستمزدها، بهبود وضعیت بهداشتی کمپ ها و خوابگاهها، بهبود وضعیت وخیم حمام، غذاخوری و سرویسهای نقل و انتقال از دیگر خواستهای کارگران اعتصابی بود. پیوستن کارگران پتروشیمی ها و نیروگاههای برق به اعتصاب نیروی وسیعی داد و به بیش از ۵۳ مرکز کارگری کشیده شد. از جمله کارگران تعدادی از پیمانکاری ها در نیروگاه بیدخون، نیروگاه سیکل ترکیبی مپنا بویلر مشهد، نیروگاه سیکل ترکیبی تبریز، نیروگاه سیکل ترکیبی پارس جنوبی، نیروگاه برق رودشور تهران، پتروپالایش کنگان، پالایشگاه لامرد، پالایشگاه اصفهان، پالایشگاه جفیر در اهواز، پالایشگاه نفت سنگین قشم، پالایشگاه ماهشهر، فازهای ۱۴ و ۲۲ و ۲۴ در پارس جنوبی، فولاد سنگان، پتروشیمی سیلان، پتروشیمی ایلام، شرکت آسفالت طوس دشت آزادگان وارد اعتصاب شدند. این اعتصابات سرعت با تحریم رسانه ای روبرو شد و عدم حضور بیشتر کارگران در محل کار و بازگشت به شهر و محل زندگی خود بدلیل فقدان الزامات زندگی در محل کار و گرمای شدید و بیماری کرونا مزید بر علت شد. فقط در صنایع پتروشیمی اعتصاب در ۲۳ مرکز و شرکت در جریان است.

در آستانه یکماهه شدن اعتصاب پیشروی هائی کسب شده است. بعد از شکست تلاشهای کارفرمایان و پیمانکاران برای اعتصاب شکنی، تدریجا و عمدتا در هفته سوم اعتصاب، پیمانکاران برای رسیدن به توافقی با کارگران بصورت جداگانه دست بکار شدند و پیشنهاد افزایش حقوق تا دومیلیون تومان را پذیرفتند. بنا به اخبار کارگران پروژه های پایپینگ، بدنبال توافق پیمانکاران با کارفرمایان در ماهشهر مبنی بر افزایش سی درصدی به قرارداد آنها با شرکت مادر، پیمانکاران نیز با خواستهای کارگران برای افزایش دستمزد و مزایای مطرح شده از جمله عیدی و سنوات توافق کردند. پیمانکاران در شرکتهای پیمانکاری لیموچی تهران جنوب در فاز ۱۴، پتروپالایش شرکت گاما و شرکت زاگرس نصب، با سطح اضافه حقوق مورد نظر کارگران توافق کرده اند. در شرکتهای دیگر مانند پتروشیمی سیلان، پالایشگاه آبادان، میدان نفتی آذر در مهران ایلام، تعدادی از پیمانکاران با سطح پائین تری از دستمزد مورد مطالبه کارگران توافق کرده اند. اما همین سطح توافق هنوز با کارگران اعتصابی دیگر پالایشگاهها و شرکتهای پتروشیمی و

استقامت و اتحاد کارگران از یکسو و نیاز این صنایع به کارگران فنی و متخصص که بسادگی قابل جایگزینی نیستند از سوی دیگر، موجب شد این سطح از اضافه دستمزد به شرکتهای پیمانکاری تحمیل شود. مضافا اینکه خواست اساسی انعقاد قراردادهای دستجمعی و مستقیم با شرکتهای مادر و کنار زدن شرکتهای پیمانی بعنوان واسطه هنوز مورد بحث نیست. بیشتر این شرکتهای در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی قرار دارند و قانون جنگل بر آنها حکمفرماست. حتی همان قانون کار ارتجاعی رژیم در این مناطق رعایت و اجرا نمیشود. کارگران پروژه ای و پیمانکاری با قراردادهای موقت در بدترین محیط کاری با مخاطرات بالا و تحت خشن ترین استنمار کار می کنند. کارگران پروژه ای بیش از هفتاد درصد نیروی کار این مناطق را تشکیل می دهند. لذا خواست نفی شرکتهای پیمانکاری، استخدام رسمی با دستمزد و مزایای مربوطه، از خواستهای کلیدی کارگران این صنایع و بخش مهمی از طبقه کارگر ایران در مراکز مختلف تولیدی و خدماتی و آموزشی و درمانی است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پیشروی تاکتونی بخشی از کارگران برای تحمیل افزایش دستمزد و خواستهای رفاهی را تیریک میگوید. این پیشروی مدیون اعتصاب و اتحاد کارگران است. آنچه که بدست آمده است جزء ناچیزی از ثروتی است که هر روز طبقه کارگر تولید میکند. مابقی کارگران اعتصابی در بیش از سی شرکت دیگر باید از همین حقوق و مزایا برخوردار شوند. ضروری است خواست مرکزی انعقاد قراردادهای دستجمعی، استخدام رسمی و نفی شرکتهای پیمانی روی دوش این پیشروی آگاهانه دنبال شود. بویژه در شرکت نفت این اعتراض بمدت دو سال است که در جریان است. همینطور ضروری است بخشهای بیشتری از کارگران در محیطهای کار اعمال فشار کنند، با تشکیل مجمع عمومی برای دخالت توده کارگران در امر مشترک تلاش کنند، خواستهای برحق و شرایط سخت کارشان را رو به جامعه اعلام و برای گسترش و تقویت اعتصاب آگاهانه تلاش کنند. درود بر رزم و اتحادتان!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

مادران خاوران و قامت استوار جانباختگان ۶۷

رحمان حسین زاده

زندانیان در سال ۶۷ چشم اسفندیار جمهوری اسلامی است. خاوران پایرجا و پایدار و کشتار سال ۶۷ یکی از مهترین سندهای جنایات جمهوری اسلامی است که سران جمهوری اسلامی باید در مقابل آن پاسخگو باشند.



جوانان و مردمی که تابستان ۶۷ در جوخه های اعدامهای جمعی و شبانه در دسته های

صدها و دهها نفره با پیکرهای شکنجه شده به قتل رسیدند، "جرمی" جز مخالفت با شکل گیری همین حکومت فقر و سرکوب و خفقان اسلامی نداشتند. اینها کمونیست ها و آزادیخواهان و مخالفین و مبارزینی بودند که در راه مقاومت در مقابل شکل گیری یک حکومت ضد بشری اسلامی جانباختند. خاوران از مراکز و بناهای مهم، بازگو کننده مقطع مهمی از تاریخ شکل گیری جمهوری اسلامی ایران، و گورستان عزیزان جانباخته راه سوسیالیسم و آزادی است. مبارزه ای که این عزیزان مبشر آن بودند، میروید به طوفان جارو کننده کلیت جمهوری اسلامی و همه دارودسته های "خوش خیم و بدخیم" این نظام مخوف سراپا جهل و جنایت و سرکوب تبدیل شود.

جنبش توده ای دی ماه ۹۶ و استمرار اعتراضات رادیکال کارگری و توده ای، نبردهای کوبنده آبانماه ۹۸ و اکنون اعتصابات و اعتراضات کارگری گسترده در مراکز کلیدی کارگری نوید بخش به میدان آمدن پتانسیل خروشان و همه گیرتر و کوبنده تر برای تعیین تکلیف قطعی با جمهوری اسلامی را در چشم انداز قرار داده است. امسال بیش از هر زمان دیگری باید تاکید کنیم، دور نیست آن روزی که سران جمهوری اسلامی و مهره های برپاکنده این نظام فاشیستی و جانپان هیئت مرگ این قتل عام، امثال رئیسی و پور محمدی که سال قبل با قاحت تمام به آن جنایات هولناک افتخار کرد، به جرم کارنامه پر از قتل و کشتار همه دوران حاکمیتشان و از جمله قتل عام زندانیان سیاسی سال ۶۷ قطعا به سزای اعمالشان میرسند.

عزم و اراده و رزمندگی مادران و بستگان جانباختگان دهه ۶۰ و سال ۶۷ به آسانی سد شدنی نیست. امسال فاجعه کرونا و مصائب و محدودیتهای آن، تهدیدات و ترفندهای سرکوبگران جمهوری اسلامی نتوانست مانع تجمع و اعتراض رنجدیدگان این هولوکاست اسلامی شود. در روز هفتم شهریور، سملهای نبرد و ایستادگی ۳۹ ساله علیه برپادارندگان گورهای جمعی خاوران، باردیگر در صفی محکم خاوران را به صحنه رزمندگی و حق طلبی تبدیل کردند. گل گذاشتند، شعر گفتن و سرود مبارزه و تعرض به قاتلان فرزندانیشان را رساتر از گذشته سردادند. واقعیت اینست مرداد و شهریورماه هر سال نه تنها یادآور تلخ قتل عام وسیع زندانیان سیاسی، بلکه مهمتر یادآور ایستادگی، جسارت و مقاومت هزاران عزیز جانباخته با قامتی استوار در سخت ترین شرایط در مقابل نظام فاشیستی اسلامی است. هزاران قامت استوار مرگ را بر تمکین ترجیح دادند، تا پایه های "نه" گفتن به هیولای جمهوری اسلامی و بنیادهای جنبش سرنگونی این نظام را تحکیم بخشند. جنبش سرنگونی که این عزیزان از پیشکسوتان جسورش بودند، میروید به ثمر بنشیند، سران جمهوری اسلامی و "هیئت مرگ" و دست اندرکاران این جنایت بزرگ علیه بشریت را محاکمه و به سزای اعمالشان برساند. سه دهه قبل به دستور خمینی جلا و مشارکت همگانی حاکمین اسلامی از هر دو جناح، هزاران مخالف جمهوری اسلامی و کمونیست و آزادیخواه ظرف یک ماه مخفیانه اعدام شدند. اجساد این عزیزان با بولدوز در بیابانهای خاوران زیر خاک مخفی شد، و به این ترتیب ظاهرا جمهوری اسلامی زندانها را از زندانی سیاسی خالی کرد! این قتل عام، مابه ازای داخلی قبول آتش بس در جنگ ایران و عراق و برای "پاک سازی" زندانها و ترساندن جامعه بود!

سه دهه قبل خاوران بیابان گمنام و متروکی بود که سران جمهوری اسلامی فکر میکردند، دور از چشم مردم میتوانند آثار جنایت و کشتارشان را در آنجا پنهان کنند. اما دیری نپایید و خیلی زود این محل توسط مادران و خانواده های داغیده و مردم کشف و به گورستان آزادیخواهان و کمونیست ها منصوب شد. بیابان متروکی که قرار بود مخفیگاه آثار شکل گیری حاکمیت اسلام باشد، توسط صدها و چه بسا هزاران خانواده ای که در زیر تله های خاک بدنبال باقیمانده اجساد عزیزانشان میگشتند، کشف شد! از آن سال تا به امروز مبارزه ای بی وقفه برای زنده نگاهداشتن خاوران و جانباختگانش و آرزوی به زیر کشیدن و به محاکمه کشاندن سازندگان این هولوکاست اسلامی در جریان است. هر سال زیر فشار سرکوب و در سالهای اخیر آشکارا علیرغم فشار قداره بندان اسلامی، خانواده قربانیان و مردم در این محل اجتماع کرده و یاد عزیزانشان را گرمی داشته اند. خاوران اکنون آشوبتس جمهوری اسلامی و نماد به محاکمه کشاندن سران جمهوری اسلامی و کیفر خواست مردم تشنه آزادی است. خاوران و کشتار





محدود نیستند." وی پیشنهاد میکند که "نهاد نخست وزیری" را به جای انتخابات "غیر راهگشای ریاست جمهوری سال آینده" احیاء شود و چون از طریق مجلس اسلامی انتخاب میشود "مثل آب خوردن" میشود آنرا تغییر داد! عباس عبدی میخواد با این پیشنهاد به ظاهر خیرخواهانه هم "جلو یک امید کاذب و سراب دیگر" که هر چهار سال یک بار

بروی مردم گشوده میشود را بگیرد و هم در عین حال نظام فاسد اسلامی را از گزند خشم و نفرت مردم محفوظ نگه دارد. و چند صباحی دیگر بر عمر رژیم پر از جنایت رژیم بی افزاید.

حجاریان ظاهرا در مخالفت با عباس عبدی "ردیه ای" نوشته است و نگران "جمهوریت" نظام سرکوبگر اسلامی است. وی پیشنهاداتی طنز گونه برای رونق انتخابات طرح کرده است که فقط یک نفر برای ریاست جمهوری کاندید شود هم مشکل نظارت استصوابی حل خواهد شد هم مسئله "جمهوریت" نظام هم سر جای خودش خواهد ماند. وی در ادامه مینویسد: "به هر حال تعدادی برای دریافت گذرنامه و گواهینامه و کارت بازرگانی و غیره هم شده رای میدهند." و با یادآوری "در انتخابات ریاست جمهوری دوره پنجم، آقای عباس شیبانی پوسترهای تبلیغاتی خود را منتشر کرد اما به رقیب خود (هاشمی رفسنجانی) گفت من برای رونق انتخابات آمده ام، لطفا هزینه تبلیغات من را پرداخت کنید و خود هم اعلام کرد همراه امت شهید پرور به ایشان رای خواهد داد."

نمونه تاریخی که حجاریان اشاره کرده بار دیگر موضع ما کمونیستها در مورد کارنوال خود فریبی انتخابات در رژیم اسلامی را صد چندان تأیید میکند که ما از روز اول به قدرت رسیدن ضد انقلاب اسلامی تاکنون نه رفراندوم "آری" یا "نه" به جمهوری اسلامی را به رسمیت شناختیم و نه در طول ۴۲ سال اخیر ارزشی برای مضحکه انتخابات اش قائل بوده ایم. بطور واقعی هم اصولگرایان و جبهه پایداری و طرفداران احمدی نژاد و سعید جلیلی و هم عباس عبدی و حجاریان میدانند که "کف گیر به ته دیگ خورده است" و مردم در اعتراضات کوبنده و سرنگونی طلبانه دیماه سال ۹۶ با طرح شعار "اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" مهر باطلی در سطح وسیع و توده ای بر اصلاح طلبی و جناح بندی های رژیم زده اند. نه احیای پست نخست وزیری و نه چند "مینی بوس" کاندید اصولگرا دیگر قادر به پر کردن شکاف بین مردم و رژیم سرکوبگر اسلامی نیستند. مردم در دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ حکم بر رفتن رژیم اسلامی داده اند. سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی تنها گزینه ممکن برای نجات از وضع فلاکتبار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کنونی است.

اعدام قتل عمد دولتی است!

مضحکه انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰

و سردرگمی جناحهای رژیم!

جمال کمانگر

اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم بطور کلی و طبقه کارگر علی الخصوص با فقر و فلاکت بسابقه ای مواجه شده است. بیکارمیلیونی گریبان نسل جوان را گرفته است. تورم ۴۰-۵۰ درصدی کالاهای اساسی طبقه کارگر را چندین برابر به زیر خط فقر اعلام شده هول داده است. این شرایط باعث شده است که توده وسیعی از مردم به اعتیاد و فحشا کشانده شوند. به این شرایط اسفبار اقتصادی بحران پاندمی کرونا و مرگ و میر دهها هزار نفر هم اضافه شده است. هنوز امیدی برای عبور از این کابوس بحران سلامت وجود ندارد.

در چنین شرایطی بازار گمانه زنی و تحلیل و تفسیر کاندیداهای احتمالی مضحکه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ به صفحه اول مطبوعات رژیم رانده شده است. "گشایشی" در "حصر خانگی" مهدی کروبی و دیدار با "مجمع روحانیون مبارز" و اعضای "حزب اعتماد ملی" همراه با پخش عکس قهقهه هیئت دیدار کننده بسرعت در فضای مجازی و بین طرفداران روحیه باخته اصلاح طلبی اسلامی دست بدست میشود. از بی بی سی تا رادیو فردا تا سایر اپوزیسیون پرو رژیم به وجد آمده اند! نهادهای امنیتی رژیم در حال سناریو سازی و به جلو سوق دادن مهرهای سوخته رژیم برای گرم کردن تنور انتخابات آتی هستند. فردا ممکن است نورافکن را روی میر حسین موسوی بگذارند و عکسهای یادگاری وی را هم منتشر کنند. اما اوضاع برای رژیم خراب تر از این است با این کارها قابل رفو کردن باشد.

هر دو جناح رژیم اسلامی به این نتیجه رسیده اند که مضحکه انتخابات ریاست جمهوری به دردسری برای آنها تبدیل شده است. مهره متحد کننده و حتی قابل اعتماد بین خودشان وجود ندارد. مطبوعات رژیم با طنز خطاب به اصولگرایان که اکثریت مجلس و شورای نگهبان و نهادهای سرکوبگر را در دست دارند، نوشته اند که میخواهند با یک "مینی بوس" کاندید وارد انتخابات شوند! اشاره آنها به بررسی لیست های ۴۰ و ۲۰ نفره توسط "جبهه پایداری" و سایر اصولگرایان برای انتخاب نامزدهای مورد نظرشان است.

جناح اصلاح طلب وضعیتی به مراتب ناامید کننده تر دارند. خامنه ای در مناسبتی در سال ۱۳۹۰ گفته بود: "بهتر است که بجای ریاست جمهوری پست نخست وزیری را احیاء کنیم که توسط مجلس انتخاب خواهد شد!" عباس عبدی و سعید حجاریان به عنوان دو ایدئولوگ مکلاهی اصلاح طلب به نتیجه مشابه خامنه ای برای پست ریاست جمهوری رسیده اند! عباس عبدی در آخرین مطلبش در ستون "سلام بر آینده" ناامیدی خود را از کشاندن مردم به پای صندوقهای رای را این چنین فرموله کرده است: "مردم دیگر حاضر به ورود در این بازی تکراری و ترجیح یکی بر دیگری از میان نامردهای تأیید شده بسیار

آموزش و پرورش در نظامهای فاشیستی و مذهبی

نادر شریفی

مقدمه: ۱۱ شهریور ۱۳۹۹ خامنه ای، در ارتباط تصویری با مدیران و روسای آموزش و پرورش و در راستای آغاز شروع دوره جدید سال تحصیلی، معلمان را "افسران سیاه" پیشرفت کشور (بنابر این شاگردان را سربازان سیاه) خواند و ضرورت تربیت انسان‌های مؤمن، خردمند، اندیشمند، دانشمند و دارای اخلاق اسلامی و در یک کلمه انسان‌های مجاهد و اهل عمل در این دستگاه را بسیار مهم دانست. رهبر جمهوری اسلامی، معلمان را عناصر تعیین‌کننده در دستگاه عظیم فرهنگی آموزش و پرورش (اسلامی) خواند و جایگاه معلم را در درجه اول به عهده خود آنان (شما بخوانید بی‌تعهدی نظام) دانست و موضوع جذب و تربیت معلم را بسیار مهم برشمرد و با اشاره به دو دانشگاه: فرهنگیان و شهید رجایی، خاطر نشان کرد که باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی و ظرفیت‌سازی شود که معلمان سراسر کشور، فقط از مسیر این دو دانشگاه وارد آموزش و پرورش شوند و مجلس شورای اسلامی نیز باید در تصویب طرح‌ها به گونه‌ای عمل کند که خارج از مسیر این دو دانشگاه، ورودی به آموزش و پرورش وجود نداشته باشد. در ادامه خامنه ای در نظر گرفتن صلاحیت‌های دینی، اخلاقی و سیاسی (شما بخوانید اطاعت مطلقه از نظام اسلامی) را در جذب معلمان مورد تأکید قرار داد و گفت: باید در جذب معلمان یک گزینش صحیح و خردمندانه انجام شود و اجازه ورود نیروی بی‌کیفیت (شما بخوانید آزاداندیش) به آموزش و پرورش داده نشود.

منهم ضروری دانستم در راستای شروع سال تحصیلی جدید و اظهارات خامنه ای، نگاهی به آموزش و پرورش در ایران بیندازم و مقایسه آن با آموزش و پرورش در دستگاه فاشیستی قرن گذشته هیتلر و آموزش و پرورش عصر الکترونیکی جهان غرب، اشاره ای به تفاوت‌های این سه نظام آموزشی داشته باشم.

روشن است که می‌توان همانقدر نزدیکی و نقاط مشترک بین دستگاه آموزش و پرورش فاشیسم در آلمان قرن گذشته با حکومت اسلامی امروز پیدا کرد که بیگانگی این دو سیستم به سیستم‌های آموزش و پرورش امروزی در کشورهای پیشرفته را. دستکم تمامی نظامهای سیاسی حافظ سرمایه حداقل در یک چیز با یکدیگر متفق القولند که برای حفظ ساختار اجتماعی، احتیاج بسیار مبرمی به آن تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش است که امنیت و حفظ ساختار نظام حاکم در جامعه را تأمین و بازتولید کند. طبیعی است که نظامهای استبدادی و دیکتاتوری خشن، احتیاج به آموزش و پرورش جنس دیگری دارند که قبل از هر چیز اطاعت و فرمانبری در جامعه را نهادینه کند. نظامهای فاشیستی و اسلامی علاوه بر آن به نظام تربیتی و تبلیغاتی در تمامی سطوح جامعه احتیاج دارند که تک تک اعضای جامعه را، بدون چون

و چرا، مطیع و فرمانبر رهبر و ایدئولوژی حاکم کنند. روشن است در هیچ کدام از این دو نظام، علم گرایی و خودآگاهی مد نظر نیستند و هر نظامی به درجه نزدیکی اش به دیکتاتوری مطلقه با انسان گرایی و آزاد اندیشی برخوردارهای متفاوتی از خود نشان میدهد.

لازم به تذکر است که در جوامع غربی مثلاً در آلمان و یا کشورهای اسکاندیناوی کادر پرورشی و آموزشی کشور - بخصوص تحصیلی و آکادمیکی آن - از موقعیتهای اقتصادی و امتیازات بازنشستگی نسبتاً خوب و ویژه ای برخوردارند که بخش اعظم جامعه از آن حتی محروم است. این "امتیازات" در جوامع دیکتاتوری تنها در اختیار کادر بالا و وابستگان مستقیم دستگاه حکومتی در نظر گرفته شده و کادر آموزشی منبأب مثال معلمان در جوامع دیکتاتور زده ای مثل ایران نه تنها از ویژه گی که از محرومیتهای ویژه ای برخوردارند و برای تأمین معیشت و دوران بازنشستگی پس از دهها سال کار، مجبورند حتی به شغل‌های دوم و حتی سوم نیز روی آورند. این سیستم تضمین چهارچوب بسته ای برای کادر آموزشی است که به جای پرداختن به محتوا و بالا بردن کیفیت آموزش پرورش و دانش آموزان، فقط کمیت و محدودیت های آن را ببیند و یا تنها بدان بیندیشد. نتیجتاً عقل و تفکر معلم و همراه آن دانش آموزان در چرخ دائمی تأمین معیشت گرفتار است، این همانند اتاق خالی بدون پنجره زندانی است که فراتر از آن را حتی اگر بخواهد، نمی‌تواند ببیند و یا با گذشت زمان تصورش را بکند، چه رسد به اینکه به نسلی از جامعه آموزش علمی ببرد بخوری منتقل کند و یا از جامعه آزاد آموزش بگیرد. چرا که آموزش و پرورش در تمامی سطوح مختلف اجتماعی در یک رابطه زنده و مکانیسم دو طرفه صورت می‌گیرد. بعبارتی تعلیم دهندگان خود دائماً تعلیم بینندگانند.

امر آموزشی در جوامع سوسیالیستی مورد نظر ما حتی بسیار فراتر از تعلیم و تربیت در جوامع پیشرفته امروز است. انسانهای یک جامعه سوسیالیستی خارج از نژاد، قومیت، محل تولد، سن و سال و جنسیت، اعضای محترم و برابر یک جامعه مرفه اند. از همدیگر یاد می‌گیرند و یاد می‌دهند! قوانین جامعه برای همه اعضای آن یکسان است. تعلیم و تربیت آموزش همخوانی تنگاتنگی با دست آوردهای علمی بشر، فارغ از هرگونه خزعبلات مذهبی و ناسیونالیستی و قوم پرستی دارد. فرزندان و خانواده ها تحت پوشش جامعه خواهند بود تا در فراغ کامل آموزش ببینند و رشد کنند. فروش جسم و روح برای رفع گرسنگی و تأمین معیشت معنا ندارند و به این وسیله مانع تعلیم و تربیت و آموزش کسی نخواهند بود، سوسیالیسم ضامن پیشرفت علم در خدمت جامعه و اعضای آن و بهبود شرایط زندگی آنان است. وقتی معیشت جامعه ای در بالاترین فرم آن تأمین شده باشد، اعضای آن جامعه بنا بر استعداد و توان خود و با کمال میل برای حفظ و رشد جامعه شان کار و فعالیت اجتماعی خواهند کرد.

آموزش و پرورش در آلمان هیتلری ۱۹۳۳-۱۹۴۵

در ناسیونال سوسیالیسم به آموزش (تربیت مطلق Totale Erziehung) آن تئوری و متد عملی را اطلاق میکردند که از پیش دبستان شروع شده و تا دانشگاهها و نهادهای آموزشی آکادمیکی ادامه پیدا میکرد. سیستم تربیت مطلق وظیفه اش آن بود که "آگاهی نژادی" و



آموزش و پرورش در نظامهای

فاشیستی و مذهبی ...

"نژادپرستی" را در افکار جوانان تولید و جسم آنان را همانند "فولاد" فرم دهد و آنان را با دستگاه فکری ناسیونال سوسیالیسم پرورش دهند. طبیعی است فاشیسم در آلمان با یک "لایحه" موفق نمی شد آموزش تربیت مطلق را به اجرا و در ادامه در جامعه نهادینه کند. برای اینکار قبل از هرچیز لازم بود که نیروهای اجتماعی مقاوم موجود در جامعه اول از بین رفته و سپس قدم به قدم آموزش و پرورش تربیت مطلق برای آموزش و پرورش نسل جوان و نسل آینده به اجرا درآید. برای همین می توان دوران تربیت و پرورشی فاشیستها در آلمان را به سه دوره متفاوت تقسیم بندی کرد:

یک: حفظ و امنیت قدرت. در این دوره فاشیستها بدون اینکه دست به ریشه آموزش و پرورش بزنند، نیروهای مخالف و مزاحم خود را یکی پس از دیگری سرکوب و از نظام سیاسی و اجتماعی جامعه بیرون راندند.

دوم: دوره آمادگی برای جنگ: شروع تغییرات در دستگاه آموزش و پرورشی از جمله تغییر ساعات آموزشی، لایحه های آموزشی جوانان (از جمله راه اندازی ساختار نظامی جوانان هیتلری)، آموزش اردوگاهی، تبعیض در آموزش و پرورش از طریق اخراج و تفاوت قائل شدن بین اقشار جامعه (بعنوان مثال اخراج و عدم قبول فرزندان یهودی و کمونیست و غیرآلمانی و . . . در مدارس و مراکز تربیتی)، قوانین و تربیت جدید کادر آموزشی و سرانجام از بین رفتن کلاسهای دوازدهم و سیزدهم دبیرستانی و تربیت آنان در این دو سال در نظام ارتشی.

سوم: دوره افول فاشیسم: فقدان نیرو برای ادامه جنگ بنابراین ارسال کودکان و نوجوانان به جبهه های جنگی که در خود حداقل آموزش و پرورش برای نوجوانان و جوانان معنی داشت. در فاز آخر فاشیسم در آلمان شکست خورد و به انتهای خود رسید.

محور اصلی ما اینجا همان دور دوم که در حاکمیت فاشیسم می گذشت، است. روشن است نظام مطلقه تنها در دستگاه آموزش و پرورشی اش احتیاج به ایجاد آن سیستمی داشت و دارد که از طرفی احتیاجات تولیدی که دستیابی به علوم را ضروری میکرد، را مرتفع کند و از طرف دیگر آنان را فرزندان مطیع نظام دیکتاتوری کند.

جوانان فاشیست، نیروهای بسیج! گشتاپو، امر به معروف و نهی از منکر! تعلیم و تربیت "آگاهی نژادی"، تعلیم و تربیت اسلامی! نژاد برتر، مذهب اسلام و فرقه تشیع! اینها مشتکی از خروارند که نزدیکی و همخوانی دو دستگاه فاشیستی به یکدیگر را نشان میدهند.

نظام آموزشی در جمهوری اسلامی

آموزش و پرورش به سبک جدید که در آن مدرسه، معلم و کلاس درسی باشد از حدود ۱۵۰ سال پیش در کشور شکل گرفت. قبل از آن

دانش آموزان قلبی در مکتب خانه ها و یا مساجد با تنبیه و آزار جسمی، تنها خواندن و نوشتن یاد می گرفتند. پس از مشروطه شیوه جدید آموزش بشرطی که با مذهب همخوانی داشته باشد، برقرار گردید. این تصمیمات اما در دوران رضا شاه اول جامه عمل بخود نگرفت ولی در دوران پایدانی حکومت پهلوی در مناطق اصلی و تا حدودی مرزی بوسیله ایجاد "سپاه دانش" اجرا گردید. از آن زمان تا به امروز "تصمیمات" زیادی گرفته شد که مهارتهایی هم به دانش آموزان در زمان تحصیل آموخته شود اما به طور واقعی نه در رژیم سابق و نه در رژیم اسلامی، نظام آموزشی کشور هیچ مهارتی را به دانش آموزان یاد نمی دهد.

علی باقرزاده، رئیس سازمان نهضت سوادآموزی ایران اعلام میکند که طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ در ایران ۸ میلیون و ۸۰۰ هزار بی سواد مطلق و یازده میلیون کم سواد وجود دارد. معاون امور ابتدایی وزیر آموزش و پرورش می گوید ۵۰ درصد دانش آموزان دختر مقطع متوسطه در استان های مرزی به دلایل مختلف از جمله ازدواج زودهنگام ترک تحصیل می کنند. به گفته او بویژه در شهرهای کوچک "کودکان بازوی کار خانواده" هستند. به گفته رضوان حکیمزاده، معاون امور ابتدایی آموزش و پرورش "دور بودن مدرسه" یکی دیگر از دلایل بازماندن کودکان از تحصیل است اما "کمبود امکانات تحصیلی، دلایلی فرهنگی و تعصبی یا ازدواج زود هنگام دانش آموزان دختر" هم سبب بازماندن کودکان از تحصیل شده است. بنابر این هم اکنون حداقل ۲۰ میلیون کودک و نوجوان در جامعه ایران یا بی سواد مطلق و یا کم سواد هستند. روشن است فقر و عدم امکانات معیشتی خانواده در کنار تبعیض جنسی نظام ضد زن جمهوری اسلامی نقش بسیار مهمی در به قهقرا بردن و درصد بی سوادی بالای جامعه بازی میکند.

شیوه و امکانات تحصیلی دوران تحجر اسلامی در مدارس یکی دیگر از موانع در سیستم آموزشی در جامعه است. بخشی از مناطق کشور حتی از امکانات اولیه، مثل سقف و کلاس درس برای دانش آموزان بی بهره اند. کودکان گرسنه اند. تعلیم و تربیت عملاً در جامعه متعلق به بخش مرفه شده است. در کنار آن شیوه های تحصیل هم بدوران دقیانوس متعلق اند. دادن تکلیف، آموزش بروی تخته سیاه، چاپ میلیونی کتاب و بدین وسیله قطع سالانه صدها هزار درخت بدون نتیجه مثبتی بر امر آموزش و پرورش نمونه مشتکی از خروار است. آموزش سنتی در نظام اسلامی، باعث گردیده است که معلم به دنبال ناکجا آباد برای تامین حداقل معیشت خود باشد و دانش آموز به هر دری برای کسب دانش بزند اما نومید و دست خالی بازگردد.

تعلیم و تربیت در جوامع غربی

در جوامع غربی از بیست میلیون ۲۰ بی سواد تنها در یک کشور سخنی نیست. سالهاست که در اکثر کشورهای غربی یا کتب درسی اصلاً منتشر نمی شوند و یا بیزان بسیار محدودی. حذف کتب درسی، استفاده از تبلت و لب تاب و تلفن همراه برای آموزش دانش آموزان از کارهایی است که نظام آموزشی چه در آمریکا و چه در اروپای غربی بدان پرداخته است. جالب توجه است هنگامی که در این کشورها حتی بصورت مجانی و رایگان تبلت و اینترنت در مدارس و مراکز آموزشی در اختیار دانش آموزان خود قرار میدهند، در ایران استفاده از ابزار آلات تکنولوژی هوشمند و آوردن آنها به مدارس بعضاً جرم اعلام میشود. صفحه ۹

قطعنامه کنگره نهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در باره اوضاع سیاسی ایران؛

دورنمای تحولات سیاسی، الزامات سرنگونی انقلابی و

رئوس وظایف حزب حکمتیست

آن در رویدادهای دیماه با صدای بلند و شعار "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" اعلام شد. بخش حکومتی این جنبش قبلیتر زیر پرچم محافظه کاری اسلامی موسوی و روحانی رفت و امروز عمدتاً زیر پرچم خامنه‌ای برای حفظ نظام سینه میزند. تعدادی نیز به خارج کشور آمدند و همراه با ناسیونالیسم پرو-غرب کمابیش همان سیاستهای سابق را در اشکال جدیدی پیش میبرند. اگر در دوره قبل اصلاح‌طلبی حکومتی و مسالمت‌جویی اپوزیسیون طرفدار رژیم خود را در تقابل با سرنگونی‌طلبی و انقلابیگری تعریف میکرد، در شرایط جدید این تقابل در کشمکش راحل‌های طبقاتی برای "گذار مسالمت‌آمیز از جمهوری اسلامی" با سرنگونی انقلابی خود را بیان میکند. عبارت دیگر، همراه با تبدیل سرنگونی خواهی به بستر اصلی سیاست ایران و عروج جنبش رادیکال کارگری در صف مقدم سرنگونی خواهی، جنبشهای بورژوائی نیز سیاست خود را در قبال سرنگونی و مسئله قدرت سیاسی، با هدف حفظ اساس نظم کنونی، تغییر داده‌اند.

۵- رابطه جامعه با حکومت، کشمکش آزادیخواهی و برابری طلبی با اختناق و تبعیض و واپسگرایی، تقابل مردم کارگر و زحمتکش با حاکمیت ارتجاع اسلامی و سرمایه در ایران، به رابطه‌های خصمانه‌تر و آنتاگونیتر ارتقا یافته است. رشته قیامهای آبانماه نشان داد که این خصم و تناقض پیشرفته به نفعی غیر قابل مهار و یک جرم انفجاری بزرگ بدل شده و گرانی بنزین مجرای بروز آن شد.

۶- حکومت اسلامی در متن تشدید بحران اقتصادی و اجتماعی و فساد بی حد و حصر، بیش از هر زمان متشددتر، نامشروع‌تر، بی افق‌تر و ناتوان از تامین حداقل نیازهای پایه‌ای شهروندان است. در یک کلام، مولفه‌های اوضاع سیاسی نوید ورود جامعه ایران به یک دوره انقلابی را میدهد. یک دوره خاد کشمکش سیاسی و طبقاتی که سرنگونی جمهوری اسلامی و مسئله قدرت سیاسی در محور و در مرکز آن قرار دارد. ایندوره برای حزب و جنبش ما تعیین کننده و سرنوشت ساز است. هم پیروزی و هم شکست هردو ممکن است. یک شرط پیروزی اینست که جنبش طبقه کارگر و رهبران کارگری سازمانیافته و آگاهانه با پرچم کمونیستی در این کشمکش حضور یابد و تصویر روشنی از معنای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی داشته باشد. پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی میتواند پیچیده و کشدار باشد، بدون تردید نیروهای مدافع وضع موجود و مخالفان تغییرات رادیکال و ریشه‌ای سناریوهای مختلفی جلو صحنه خواهند آورد. بورژوازی بعنوان یک طبقه بسادگی میدان را ترک نخواهد کرد. لذا کسب هژمونی در افق جامعه، راه حل، نیروی اجتماعی و تامین یک رهبری قدرتمند سراسری کمونیستی در این جدال تعیین کننده است.

۷- خیزش توده‌ای و انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی بار دیگر با قاطعیتی بیش از پیش آغاز شده است. در این کنگره اعلام میکنیم که تحولات مهمی در راه است و جنبش و طبقه ما یک فرصت تاریخی برای پیروزی در این نبرد دورانساز دارد. حزب کمونیست کارگری- حکمتیست به مثابه بخش لاینفک جنبش سوسیالیستی و شورایی طبقه کارگر در صف اول مبارزه انقلابی، همراه دیگر جنبشهای اعتراضی رادیکال همچون جنبش آزادی زن، جنبش معلمان و اعتراضات دانشجویی برای برابری و رفع تبعیض، همراه با کلیه انسانهای آزادیخواه و مخالف فقر و اختناق، برای سازماندهی قیام علیه حکومت استبداد و استثمار تلاش و مبارزه میکند.

۱- طوفان عظیمی که علیه جمهوری اسلامی در آبانماه آغاز شده برای ما کمونیست‌ها غیر قابل انتظار نبود. ما نه فقط برای اینروزها لحظه شماری میکردیم بلکه بنا به ارزیابی‌مان از مجموعه مولفه‌های اوضاع سیاسی ایران و تعمیق بحران اقتصادی و اجتماعی، در راه بودن آنرا نوید داده بودیم. مسئله برسر گرانی بنزین نیست، برسر نفس حکومت فقر و فلاکت سرمایه داری است. برسر خود جمهوری اسلامی و کل حاکمیت جنایت و فساد و استبداد و استثمار است. این شکلی از جنبش طبقه کارگر و محرومان جامعه علیه حاکمیت فقر و گرسنگی و سرکوب است. این جنبش امروز امرش درهم شکستن قدرت فائده و سرنگونی نظام اسلامی است اما پتانسیل بالائی دارد که به یک انقلاب عظیم اجتماعی متحول شود. دیگر این حکم پایه‌ای که جمهوری اسلامی راحل اقتصادی ندارد، نمیتواند گشایش سیاسی ایجاد کند و با فرهنگ بخش اعظم جامعه در تناقضی خردکننده قرار داد، یک داده سیاسی است که جنبش ما همواره بر آن تاکید داشته است. دیگر مدتهاست که مدافعان خصوصی سازی و اقتصاد بازار در درون و بیرون حکومت، پذیرفته‌اند که بحران اقتصادی جمهوری اسلامی با ادامه چهارچوبهای سیاسی-ایدئولوژیک کنونی قابل حل نیست و "تعامل سیاسی با دنیای بیرون" نیز بدون پائین‌کشیدن پرچم ایدئولوژیک تروریسم اسلامی غیرممکن است. امروز تئوریسین‌های راست خصوصی سازی در ایران، در وحشت اینک "همه چیز دارد از دست میرود"، میگویند خصوصی سازی هم راحل نیست. لذا نه فقط بحثهایی مثل "متعارف شدن" سرمایه‌داری تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بشدت مهجور بنظر میرسد بلکه نفس حفظ حاکمیت سرمایه در ایران با همان پلاتفرم بازار آزاد دیگر اطمینان خاطری به هیچ بخش بورژوازی نمیدهد. همه اینها یعنی سرمایه داری ایران بیش از هر زمان در بُن‌بستِ لاعلاج و بُحران فروپاشی قرار دارد. به این اعتبار جنبشهای طبقات دارا برای مُمانعت از پیامدهای اجتماعی بحران اقتصادی و عروج جنبش سوسیالیستی کارگران، تلاش میکنند حداقل امکان بدون دخالت مردم و یا با حداقل دخالت کنترل شده مردم، ملزومات یک دولت انتقالی را از درون صفوف بورژوازی ایران فراهم کنند. امری که آغاز شده و با تشدید بحران سرنگونی بیش از پیش در دستور بورژوازی قرار می‌گیرد.

۲- از نظر سیاسی، تعمیق مبارزه طبقاتی و گسترش انتقاد سوسیالیستی طبقه کارگر علیه وضع موجود، "خطر" و شیخ سوسیالیسم را به کابوسی برای کل بورژوازی اعم از حکومتی و اپوزیسیونی بدل کرده است. قطبی شدن سیاست در ایران، از بازجو-ژورنالیست‌ها تا احزاب حکومتی مدافع پروپاقرص بازار آزاد، از مشروطه خواه و جمهوریخواه تا ناسیونالیست‌های متفرقه در اپوزیسیون را، آگاهانه علیه کمونیسم و انتقاد سوسیالیستی طبقه کارگر در یک صف واحد قرار داده است. اینها در شرایطی است که هنوز حجاب اختناق مانع از آن است که واقعیات و روندهای بنیادی جامعه بدرستی منعکس گردد.

۳- سرنگونی‌طلبی بویژه بعد از رویدادهای دیماه ۹۶ و برآمد تند و انقلابی آبانماه ۹۸، به بستر اصلی سیاست ایران تبدیل شده است. طبقات متخاصم اجتماعی و جنبش‌ها و احزاب سیاسی‌شان از چپ تا راست، همه و هرکدام بنوعی از سرنگونی جمهوری اسلامی یا ضرورت عبور از حاکمیت اسلامی سخن میگویند.

۴- اصلاح طلبی حکومتی و اسلامی بعنوان یک جنبش شکست خورد و پایان

قطعنامه کنگره نهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در باره اوضاع سیاسی ایران؛

دورنمای تحولات سیاسی، الزامات سرنگونی انقلابی و

رئوس وظایف حزب حکمتیست ...

سازماندهی انقلاب کارگری است. طبقه کارگر بدون درهم کوبیدن کُل نهادها و قدرت بورژوازی نمیتواند بمثابه یک طبقه آزاد شود و برای آزادی بعنوان یک طبقه لازم است کُل جامعه را از قید بردگی مُزدی و مالکیت خصوصی و استثمار اقتصادی آزاد کند.

۹- حزب کمونیست کارگری- حکمتیست تنها راه آزادی مردم ایران از مشقات کنونی سرمایه داری و انقیاد و سلطه سیاسی و اقتصادی بورژوازی را یک رهائی همه جانبه سوسیالیستی میداند. هیچ زمان مانند امروز کمونیسم به نیاز طبقه کارگر و اکثریت مردم محروم جهان تبدیل نشده است. امروز در ایران، با گسترش اعتراضات کارگری و انتقاد ضد سرمایه داری طبقه کارگر به نظام موجود، با خیزش توده‌ای و انقلابی برای بزیر کشیدن حکومت فقر و گرانی، شرایط بیش از هر زمان برای یک تحول سوسیالیستی آماده است. این کنگره بار دیگر تصریح و تاکید میکند که حزب حکمتیست در این تحولات برای یک پیروزی تمام عیار کارگری و سوسیالیستی مبارزه میکند.

۱۰- کنگره نهم حزب حکمتیست، طبقه کارگر، کمونیست‌ها، انقلابیون و مردم آزادیخواه را به متحد شدن و مبارزه تحت پرچم سوسیالیستی و کمونیستی فرامیخواند. دنیای امروز نیازمند یک انقلاب کمونیستی کارگری است و ایران یکی از آمادترین کشورها برای این پیروزی پرولتاریا در قلمرو جهانی است.

مصوب کنگره نهم به اتفاق آرا

نوامبر ۲۰۱۹

آموزش و پرورش در نظامهای فاشیستی و مذهبی ...

جوامع غرب استفاده از تکنولوژی را کنترل می کنند ولی نظام اسلامی آنان را ممنوع میکند برای اینکه کنترل آنان برای نظام تماماً ممکن نیست. از بحث در مورد سانسور و فیلترینگ همه جانبه جهان اینترنتی اینجا فعلاً مجبوریم صرف نظر کنیم! هنر و ورزش در نظام آموزشی اسلامی وقت تلف کردن است ولی اجرای مراسم مضحکه عاشورا و تاسوعا امری است بدیهی و ضروری. با صرف افعال نهنی (نکن، نخور، ننوش، نشین، نیا و ...)، تأثیرات سوء تفکری خود را بر هر نوع امکان فعالیت مفید و پویا از بین میبرند. در ایران با بایکوت کردن ره آورد علمی، با تابو کردن هر ایده نو و تازه، تفکر ارتجاعی و سنتی هنوز تحت سرکوب جامعه ادامه حیات میدهد. کودکان و نوجوانان در جوامع غربی از سنین کودکی با جسم و جنس خود و مخالف خود آشنا میشوند. منع کردن توأم با افعال نهنی بدون آموزش اثباتی، همیشه با خود نتایج معکوس آورده و خواهد آورد.

۸- خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب حکمتیست در این دوران پُر تحول مُبتنی بر چند اصل بنیادی است :

الف- ما برای یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی مبارزه میکنیم و یک شرط اساسی این پیروزی تاکید مُشدد بر تامین استقلال سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی از جنبش‌های طبقاتی دارا و صفوف بورژوازی است. ما و طبقه کارگر و اردوی انقلابی برای تغییر مُعادلۀ قدرت مُستمرأ تلاش میکنیم و هر جا بتوانیم قدرت خود را با اتکا به شوراها، بریگادهای کارگری و نیروی نظامی و توده‌ای خود مُستقر میکنیم.

ب- در ایندوره بیش از هر زمان ضروری است که جنبش طبقه کارگر و حزب کمونیستی‌اش بمثابه یک قدرتِ آلترناتیو ظاهر شود. جنگ برسر افق و هژمونی انقلابی و سوسیالیستی در مقیاس جامعه یک هدف اساسی ماست و در این مسیر جنگ بی‌امان با پوپولیسم و اپورتونیسیم، با سازشکاری و "همه باهم" را وظیفه حزب و پیشروان طبقه کارگر و کمونیست‌ها میدانیم.

ج- شکستن هر نقطه سازشی که جنبش‌های طبقاتی دارا در مقابل جنبش کمونیستی و شورائی طبقه کارگر قرار میدهند، یک وظیفه تعطیل‌ناپذیر و تخطی‌ناپذیر حزب ما و هر کمونیست انقلابی است.

د- ما به هیچ دولت بورژوائی و هیچ نوع بَند و بست از بالای سر کارگران و مردم تن نمیدهیم و همراه با طبقه کارگر سوسیالیست و اردوی انقلابی، سیاست سرنگونی و درهم کوبیدن کل ماشین دولتی بورژوائی را داریم.

ه- حزب حکمتیست در مقابل جبهه‌بندی‌های جنبش‌های بورژوائی، در مقابل سیاست‌های آلترناتیو سازی اپوزیسیون راست، مضاف بر نقد و افشای سیاست‌های ضد کارگری و ضد اجتماعی این پروژه‌ها، برای بسیج انقلابیون و سوسیالیست‌ها حول سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و تقویت یک راه حل کارگری کمونیستی تاکید دارد.

و- حزب حکمتیست و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در مقابل سیاست دولتهای انتقالی رنگارنگ بورژوازی برای تشکیل "مجلس موسسان" و "مجلس ملی" و نوشتن قانون اساسی، بر تداوم انقلاب برای خلعید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی و تشکیل دولت شورائی مبارزه میکند.

ز- برای ما بعنوان کمونیست کارگری‌های حکمتیست، انقلاب بیوقفه یک مقوله تعیین کننده در دوره گذار انقلابی است. لذا اولاً، تلاش ما اینست که سرنگونی جمهوری اسلامی با یک پرچم چپ صورت گیرد. ثانیاً، دولت برآمده از سرنگونی انقلابی که بناگزیر دولتی متشکل از قیام کنندگان، یک دولت موقت انقلابی است، وظیفه اش درهم کوبیدن ماشین دولتی بورژوازی، استفاده از ابزار دولت برای بسط مبارزه طبقاتی و بسیج طبقه کارگر برای تداوم انقلاب و

پیام کنگره نهم به فعالین جنبش کمونیس‌م کارگری و اعضای حزب کمونیس‌ت کارگری - حکمتیست

نوبت ایفای نقش کارگر و کمونیس‌م است!



چنین روزهایی که کشمکش طبقاتی به اوج میرسد، نداشته است. ما باید در ایندوران تعیین کننده، بیش از هر زمان، با صف مستقل طبقاتی و پرچم راه حل سوسیالیستی و کارگری برای آزادی جامعه، وارد این جدال سرنوشت ساز شویم. کمونیس‌ت‌ها در ایندوران باید به ستون فقرات سازماندهی حزبی و توده ای، به محمل اتحاد محافل و شبکه های کمونیس‌تی و کارگری، به لولای گسترش ابتکارات انقلابی و توده ای بدل شوند.

این کنگره اعلام میکند که اوضاع سیاسی ایران یک فرصت معین برای یک حرکت تاریخساز کمونیس‌تی با نتایج دگرگون کننده در ایران و در سطح بین‌المللی فراهم آورده است. این فرصت نباید از کف برود. کمونیس‌ت‌های ایران، جنبش کمونیس‌م کارگری و فعالین و کادرهای حزب حکمتیست باید خطیر بودن اوضاع را درک کنند و وظایف خود را با قاطعیت و سر وقت و تیزبینی پیش ببرند. ایندوران برای ما نمیتواند همیشه باز باشد و در صورت عدم حضور جدی و پاسخ ندادن به سوالات و الزامات کشمکش طبقاتی، میتواند بسرعت بسته شود. کنگره نهم حزب کمونیس‌ت کارگری - حکمتیست توجه رهبری، کادرها، اعضا، نیروهای جنبش کمونیس‌م کارگری، کمونیس‌ت‌ها و انقلابیون سوسیالیست را به این مهم جلب میکند. حزب کمونیس‌ت کارگری - حکمتیست باید بعنوان حزب کارگران در جدال قدرت با بورژوازی و بعنوان رهبر انقلابی توده‌های بپاخواسته برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی با قاطعیت انقلابی و کمونیس‌تی و با تمام ظرفیت وارد صحنه سیاسی شود.

کنگره نهم بر کمبودها و موانع عظیم و بسیاری که برسر راه حزب حکمتیست و جنبش کمونیس‌م کارگری قرار دارد، واقف است اما مُصرانه تاکید دارد که حزب باید این گام بلند را بردارد. کنگره نهم به تمام اعضا و فعالین حزب برای حضور در یک مبارزه متحدانه، پرشور، وقفه ناپذیر، مُنضبط و گسترده برای پیروزی کمونیس‌م در تحولات جاری ایران فراخوان میدهد.

رشته تظاهراتها و نبردهای کوبنده شهری آبانماه ۹۸ برای سرنگونی رژیم اسلامی، شکافهای عمیق اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه و واقعیات بنیادی اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری در ایران، فرصت تاریخی تعیین کننده‌ای برای طبقه کارگر و کمونیس‌م کارگری برای برقراری سوسیالیسم در ایران فراهم کرده است. اینروزها قهرمانی و قاطعیت انقلابی مردم کارگر و زحمتکش و نسل جوانی که تحت حاکمیت نظام اسلامی آینده ای برایشان متصور نیست، برای هزارمین بار اثبات کرد که اکثریت عظیم جامعه ایران این حکومت را نمی‌خواهد و عزم راسخی برای بزیر کشیدن آن دارد.

بعد از شکست انقلاب ۵۷ و چهار دهه حاکمیت منحوس اسلامی، جامعه ایران بار دیگر وارد یکدوره انقلابی میشود که مسئله قدرت سیاسی و تعیین تکلیف با دولت اسلامی سرمایه داران در مرکز آن قرار دارد. انقلاب ۵۷ اولین صف‌آرایی عظیم اجتماعی و طبقاتی در متن یک ایران کاپیتالیستی بود. حضور طبقه کارگر در انقلاب ضد سلطنتی ۵۷، چشمگیر، بیسابقه و تعیین کننده بود. با اینحال در فقدان یک جنبش حزبی خودآگاه و ذینفوذ کمونیس‌تی کارگری که بتواند حضور مستقل طبقه کارگر و رهبری طبقه کارگر بر جنبش عمومی را تضمین کند و افق رهائیبخش سوسیالیسم کارگری و مارکسی را به آرمان عمومی صف آزادیخواهی و انقلاب بدل کند، جنبش ارتجاعی اسلامی و اپوزیسیون سنتی ملی- اسلامی انقلاب را به بیراهه بردند و نهایتاً به خون کشیدند.

اینبار جنبش حزبی کمونیس‌تی کارگری و جنبش توده ای کارگران در صحنه سیاسی ایران حاضر است و همگان کارگر و کمونیس‌م را فی‌الحال بعنوان یکی از نیروهای سیاسی و جنبشهای موثر و دخیل در روند اوضاع سیاسی آتی در سطح جامعه برسمیت شناخته‌اند. اینبار بورژوازی و پرولتاریا و جنبش‌های سیاسی آنها بیش از هر زمان بدون ابهام در مقابل هم قرار گرفته‌اند. اینبار بورژوازی حتی وعده نمیدهد و در اپوزیسیون علیه کمونیس‌م و کارگر خط و نشان میکشد. اینبار توهمات پوپولیستی و "همه با هم" بیش از پیش به پرچم ناسیونالیسم بستر اصلی و جنبشهای بورژوائی بدل شده است. اینبار رادیکالیسم خرده بورژوائی و نیم بند در مقابل پلاریزاسیون اجتماعی و صنفی‌های حاد طبقاتی در دوره انقلابی حتی نمیتواند در کوتاه مدت تعادل خود را حفظ کند.

لذا سرنگونی با پرچم و رهبری چپ، تامین سازمان و الزامات سرنگونی انقلابی حاکمیت اسلامی، بکف آوردن دولت برای بسط مبارزه طبقاتی، تداوم انقلاب برای یک کسب یک پیروزی تمام عیار کارگری، هدف بی‌اما و اگر جنبش پرولتاریا و حزب کمونیس‌ت کارگری - حکمتیست است. چند دهه جدال کمونیس‌م کارگری علیه احزاب و طبقات و افقهای بورژوائی و خرده‌بورژوائی در جامعه ایران و در درون چپ، چند دهه دفاع از کمونیس‌م و مارکسیسم در اوج حملات بورژوازی جهانی، هدفی جز آمادگی سیاسی و حزبی برای

فراخوان به تظاهرات!

جمهوری جنایت اسلامی در ایران جوانان معترض را اعدام می کند و مزدورانش در خارج کشور مخالفین حکومت اعدام را تهدید به مرگ و ترور میکنند! علیه حکومت اعدام و سفیران مرگش در خارج کشور به میدان بیاییم!

زمان : روز شنبه پنجم سپتامبر ساعت 4 بعد از ظهر
مکان : پلازای ایرانیان

مرگ بر جمهوری اسلامی! زندانی سیاسی آزاد باید گردد. تشکیلات کانادا - حزب کمونیست کارگری حکمتیست
www.hekmatist.org

اجتماعات این هفته در تورنتو،

لندن و استکهلم:

علیه اعدام و در دفاع از

اعتصابات کارگری

شنبه ۵ سپتامبر ساعت ۱۵

ماجور یار پلاکسین

علیه اعدام و بیاد هزاران اعدامی که توسط جمهوری اسلامی اعدام شدند

حزب حکمتیست به همراه شورای استکهلم و سایر احزاب و جریانات چپ آکسیونی را برگزار می کند.



تلفن تماس: ۰۷۳۶۲۲۸۷۲۶ محمود محمدزاده

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

فراخوان به تجمع اعتراضی

در سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی دهه شصت در حمایت از زندانیان سیاسی در حمایت از اعتصابات پرشور بخشهای مختلف کارگران ایران تجمع اعتراضی همراه با شورای همبستگی مبارزات مردم ایران و سایر سازمانهای سیاسی

زمان : روز شنبه پنجم سپتامبر 2020 ساعت 1 تا 3
مکان : میدان ترافالگار لندن

تشدیدات بریتانیای حزب حکمتیست
www.hekmatist.org

زندانهای سیاسی آزاد باید گردد.
حزب کمونیست کارگری ایران

بزودی برگزار می شود!

بحران حزب کمونیست ایران و کومه له: سیاست کمونیستی در قبال آن

سمینار سیاسی رحمان حسین زاده



در این مبحث، پیشینه و کارکرد گرایشات درون حزب کمونیست ایران و کومه له، جایگاه صف بندی راست و چپ کنونی، مقاطع تعیین کننده گردش به راست این جریان، نقش دبیر اول کومه له در ایجاد موقعیت تراژیک کنونی کومه له، راه برون رفت چپ و کمونیستی این بحران بررسی میشود!

این سمینار در سوشیال مدیا پخش میشود. تاریخ ارائه مبحث ۲۴ ساعت قبلتر به اطلاع میرسد.

زنده باد مجمع عمومی و اعمال اراده
مستقیم و مستمر کارگران!

کلیه زندانیان سیاسی بدون
تعلل و فوراً آزاد باید گردند!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی
کمونیست

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفاً کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!